

در دور‌های هستیم که درباره آمار مطالعه رقم‌های نازلی ارائه می‌شود و قله‌های داستان نویسی کتاب‌های خود را با تیراژ هزار و کمتر منتشر می‌کنند. نهاد کتابخانه‌های عمومی چگونه می‌تواند با این پدیده رویارویی مؤثری داشته باشد؟

منظور از «پدیده» اگر کاهش شمارگان کتاب باشد، در حال حاضر هیچ آمار دقیقی از میزان مطالعه در کشور که براساس یک سنجش علمی در سال‌های اخیر صورت گرفته باشد، وجود ندارد. آخرین بررسی در سال‌های پیش انجام شده و براساس پاره‌ای شاخص‌ها که تفکیک هم شده بود، یک عددی را اعلام کردند.

**این آمار را چه نهادی اعلام کرده است؟**

نهاد کتابخانه‌های وقت انجام داده است. آن زمان هنوز فضای مجازی به شکل حاضر غلبه پیدا نکرده بود. آنها شاخص‌هایی را در نظر گرفته بودند، براین اساس که به عنوان مثال کتاب‌های دینی یا روزنامه‌ها یا کتاب‌های مربوط به اوقات فراغت را به صورت مجزا محاسبه کردند. سال گذشته پژوهشگاهی که وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، اعلام کرد ما قصد داریم پژوهش‌هایی در این زمینه انجام بدهیم و مشاورت‌هایی هم با ما کردند و البته هنوز من خبری از اجرایی شدن یا نشدن این پژوهش ندارم. دو نکته در این زمینه وجود دارد؛ اول اینکه سطح مطالعه را با این شاخص تعیین می‌کنیم که برای مثال از فرد سوال می‌شود چقدر کتاب یا روزنامه می‌خوانید. در همین ماه‌های اخیر یکی از مسئولان فرهنگی اعلام کرد علت اینکه آمارهای مطالعه در کشور زاین بالااست، این است که حتی اطلاعاتی‌های روی دیوار را هم محاسبه کرده‌اند!

**یعنی هر نوع خوانشی را در آمار لحاظ می‌کنند؟**

بعید می‌دانم در زاین این کار را کرده باشند، اما قصد دارم از این مطلب اینطور استفاده کنم که بعضی‌ها پیامک و ری‌نویس تلویزیون را هم جزو مطالعه محسوب می‌کنند و معلوم است که این مسئله دقیق نیست. مطالعه تعریفی دارد حتی در محاسبه شمارگان هم تعریفی وجود دارد. در برخی کشورها حتی مطالعه کتاب‌های درسی و کمک درسی را جزو آمار مطالعه محسوب نمی‌کنند. امروز ۱۰۰ ناشر اول کشور ما به لحاظ شمارگان ناشران کمک درسی هستند.

**یعنی ما هنوز در تعریف مطالعه به اجماع روشنی دست پیدا نکرده‌ایم؟**

نه، در گام اول این کار را باید یک مجموعه علمی متخصص انجام دهد تا بعد آمار بگیرید. برخی نرخ مطالعه را بر اساس صفحه حساب می‌کنند بعضی براساس موضوع و بعضی دعا و قرآن خواندن را هم جزو مطالعه محسوب می‌کنند و عده‌ای معتقدند که خیر اینها جزو مطالعه محسوب نمی‌شود. بنابراین تعریف‌ها از مطالعه باید مشخص بشود. اما من برای اینکه بینیم آیا کتابخوانی در یک جامعه رواج دارد یا خیر، سه مشخصه در نظر دارم؛ یکی از نشانه‌های رواج کتابخوانی، بالا بودن شمارگان کتاب است. وقتی در جامعه‌ای تجدید چاپ کتاب با شمارگان بالا زیاد باشد، این می‌تواند نشانه‌ای بر بالا بودن آمار مطالعه قلمداد شود. کشور ما به لحاظ تعداد ناشر در طول یک‌سال برخوردار است. به لحاظ چاپ عناوین کتاب در طول یک‌سال آمار بالایی دارد، اما به لحاظ شمارگان کتاب آمار بسیار پایین است. در حال حاضر متوسط شمارگان کتاب در کشور ما بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ عنوان است. چند سال پیش از این متوسط شمارگان کتاب نزدیک به ۳ هزار کتاب در سال بوده است. شمارگان پایین آمده و عناوین بالا رفته است. اینکه عناوین مؤثر و مفید و قابل توجه بالا رفته است یا خیر، مسئله مهمی است، در یک‌سال حدود ۸۰ هزار عنوان کتاب چاپ شده است.

خانه کتاب به عنوان مرکز رسمی آمار کتاب، مجلدی با عنوان «کتابشناسی ماه» منتشر می‌کند که فهرست ۱۰ ناشر برکار اسفند ۹۴ را منتشر کرده است. براین اساس مدرسان شریف فقط در یک ماه ۴۲۷ عنوان کتاب منتشر کرده است. علوم و فنون معین که باز ناشر کمک درسی است ۱۹۴ عنوان کتاب منتشر کرده است و مؤسسه مهر پویا ۱۶۹ عنوان کتاب. پس ملاحظه می‌کنید که عناوین با انگوری است یا کمک درسی. اینها تازه ناشران عمومی هستند. در صفحه بعد ۱۰ ناشر آموزشی بر کار ۹۴ آورده است. دوباره گاج و مهرسبز و غیره‌او شما جمع تولیدات اینها را که به دست یابواید مشاهده می‌کنید که بخش عمده‌ای از بازار نشر کتاب ما شامل کتاب‌های کمک درسی می‌شود.

**خود این شرایط قاعد تا باید یک آسیب جدی در حوزه نشر قلمداد شود.**

بله، خیلی از کشورها این کتاب‌ها را اصلاً جزو آمار کتابخوانی محاسبه نمی‌کنند و در برخی کشورها نیز این حجم از تولید کتاب کمک درسی را ضغف نظام آموزشی محسوب می‌کنند. این چه سیستم آموزش و پرورش است که دانش آموز ما بیشتر درس می‌خواند و برای او هزینه می‌شود و در پایان باید این همه کتاب‌ها درسی مطالعه کند که تازه وارد دانشگاه شود!

دسته دوم از کتاب‌های پر فروش، کتاب‌های فانتزی است که رواج زیادی پیدا کرده است. یعنی کتابی داریم که در هر صفحه آن یک مصرع شعر چاپ شده است! اگر ۵۰ صفحه از این کتاب را بچخوانید فقط ۲۵ بیت شعر خواننده یاد! حالا اگر شما بگویید من ۵۰ صفحه کتاب خوانده‌ام یک معنی دارد، اگر بگویید یک جلد کتاب خوانده‌ام یا ۲۵ صفحه کتاب مطالعه کرده‌ام، معنای دیگری دارد. واقع مطلب این است که اگر هفت بیت باشد، من چهار غزل خوانده‌ام! بعضی کتاب‌ها که عنوان چاپ اول دارد، اصلاً چاپ اول نیست! هر ناشری امروز یک مثنوی به عنوان چاپ اول منتشر می‌کند یا کتاب‌هایی را که چند دهه از فوت مؤلف آن گذشته است، ناشر دیگری آن را دوباره چاپ می‌کند. یا کتاب‌های مهارتی، خیلی از وسلیله‌ها را که بخريد طرز کار آن را می‌شود تحت عنوان یک کتاب عرضه کرد. پس این بالا بودن عناوین باید مشخص باشد که به چه کتاب‌هایی تعلق دارد. کتاب‌هایی واقعا تألیف شده است نتیجه هنر و تخیل و ادبیات نویسنده یا اینکه یک اندیشه‌ورزی یا نظریه علمی است. در دهه فجر سال ۹۴ دبیر و مسئول اجرایی هیئت علمی تعیین کتاب سیسال انقلاب اسلامی اعلام می‌کند که در اکثر رشته‌ها کتابی که شایسته اعلام کتاب سال باشد، وجود ندارد یا اینکه عناوین هم بالا بوده است.

اما نشانه دوم من برای محاسبه سطح کتابخوانی در کشور این است که مراجعه به کتابخانه‌های عمومی زیاد باشد. اینجا یک نکته‌ای وجود دارد. ممکن است بپرسید کتابخانه‌های عمومی ما چه تعداد است؟ در نهاد کتابخانه‌های عمومی تقریباً ۲ هزار و ۲۰۰ کتابخانه در سراسر کشور در اختیار داریم و حدود هزار و ۲۰۰ کتابخانه مشارکتی هم وجود دارد که مالکیت آن برای نهاد کتابخانه‌ها نیست، ولی ما به آنها کتاب می‌دهیم.

## گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۷۹



عکس‌فصلی عروسیان جوان

**علیرضا مختارپور دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور از شاخص‌های مدنظر خود برای محاسبه کتابخوانی و گفتمان کتابخوانی در ایران می‌گوید**

# غیر از رهبری هیچ سخنوری مردم را به کتاب ارجاع نمی‌دهد

**اعتراف می‌کنم هنوز نفهمیده‌ام چرا کمیسیون فرهنگی مجلس گفتند برای اضافه کردن بندهای ترویج کتابخوانی به برنامه ششم دو سهمیه بیشتر نداریم!**

■ **جواد محرمی**

هفته کتاب و کتابخوانی از پنج‌شنبه ۲۰ آبان آغاز می‌شود. شاید هفته کتاب برای بسیاری از ایرانیان در سکوت رسانه‌ای و خمودگی و روزمرگی بگذرد، بی‌آنکه نشانی یا ناثری از آن بگیرند. علیرضا مختارپور، دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور اما هر روز از سال و هر ساعت از روز تحت تأثیر دغدغه کتاب و کتابخوانی است. او از اینکه چرا در برنامه‌های تلویزیونی، سخنرانی‌های ملی و در هر اقدامی که مخاطب دارد، ارجاع به کتاب دیده نمی‌شود، گلنده است و این «ارجاع ندادن به کتاب» را یکی از سه شاخص خود در محاسبه میزان

**چند نفر عضو این کتابخانه هستند؟**

حدود ۲ میلیون و نیم عضو در سراسر کشور. بنا به استاندارد بین‌المللی ما باید حدود ۱۵ میلیون عضو داشته باشیم و تعداد کتابخانه‌ها ما محدود ۲۰ هزار باشد، اما کشور ما یک ویژگی دارد که باید آن را لحاظ کنیم. ما در کشور کتابخانه‌های زیادی داریم که با عناوین دیگری فعالیت می‌کنند. سال گذشته جمعی تحت عنوان کتابخانه‌های بزرگ کشور ایجاد شد. برای مثال کانون فرهنگی هنری مساجد اعلام کرد ما ۱۲ هزار و ۲۴۱ کتابخانه در سطح کشور داریم. حوزه‌های علمیه اعلام کردند ما ۷۴۱ کتابخانه داریم. دانشگاه‌ها و مدارس هم آماری اعلام کردند البته برخی از اینها خدمات عمومی ارائه نمی‌دهند، اما شما به هر دانشگاهی بروید کتابخانه دارد. کتابخانه‌های مستقل داریم مثل کتابخانه‌های وقفی. کتابخانه‌های بزرگ مانند کتابخانه ملی، کتابخانه مجلس و کتابخانه آستان قدس داریم. ما آماری تهیه کردیم از این سازمان‌هایی که کتابخانه در اختیار دارند و مشاهده کردیم ۸۷ هزار و ۸۰۲ کتابخانه در کشور داریم. در مجموع این کتابخانه‌ها بیش از ۲۰۶ میلیون جلد کتاب وجود دارد. بنابراین کتابخوانی و عضو کتابخانه در کشور کم نیست، اما کتابخانه عمومی در کشور به اندازه کافی نداریم. الان شهر تهران به لحاظ شاخص‌های اقتصادی کلاشنوری گران محسوب می‌شود، اما برخی مناطق همین شهر دسترسی به کتابخانه ندارند. ما در ۲۰۴ شهر کشور کمبود دسترسی به کتابخانه داریم.

**شاخص سومی که برای محاسبه کتابخوانی دارید، چیست؟**

شاخص دیگری که برای محاسبه کتابخوانی در یک

کشور مهمی است که گفتمان کتابخوانی در جامعه گفتمان غالب است یا خیر؟ یعنی شما در تمام محصولات فرهنگی هنری، در نمادهای شهر، در دست مسئولان، در بیان مسئولان، در فیلم‌ها، در نمایش‌ها و سریال‌های تلویزیونی به طور دائم ارجاع به کتاب مشاهده کنید. این در برخی کشورها دیده می‌شود، اما در کشور ما دیده نمی‌شود. در سریال‌های تلویزیونی برخی کشورها دست کاراکترهای مختلف، کتاب‌های روز دیده می‌شود. در کشور ما فقط یک نفر در سخنانش به کتاب ارجاع می‌دهد و آن هم مقام معظم رهبری است!

**شرایط اجتماعی و اقتصادی چقدر در این زمینه تأثیرگذار است؟**

همه اینها بستگی به شرایط اجتماعی دارد. دوستانی که به یک کشور خارجی رفته‌اند، تعریف می‌کردند در آنجا ساعت کتابخانه در مقطع ابتدایی وجود دارد. در کشور ما چندسال پیش یک زنگ مطالعه بود که آن هم جرم شد. کتابدار مدارس به دلیل نبودن بودجه در آموزش و پرورش حذف شد! در برخی کشورها جوع به کتابخانه و مرجع را از دوره ابتدایی به کودک یاد می‌دهند. آموزش و پرورش ما هنوز نمی‌پذیرد که نحوه آموزش کتاب درسی به این شکل مشکل دارد. زمانی این شیوه فقط در سطح مدرسه بود، اما الان به دانشگاه هم سرایت کرده است. اخیراً استاد دانشگاهی اینجا مراجعه کرد بود و من از او سؤال کردم ما صدها هزار دانشجوی داریم، اگر فقط اساتید علوم انسانی دانشگاه به دانشجویان ارجاع به کتاب بدهند، چه تحولی در شمارگان کتاب ایجاد می‌شود؟ ولی الان ما با پدیده‌ای در دانشگاه‌ها مواجهیم که اساتید می‌گویند لازم نیست کتاب تهیه کنید و جزوه به دانشجوی می‌دهند



## دوستانی که به یک کشور خارجی رفته‌اند، تعریف می‌کردند در آنجا ساعت کتابخانه در مقطع ابتدایی وجود دارد. در کشور ما چندسال پیش یک زنگ مطالعه بود که آن‌هم جمع شد.

**کتابداران مدارس به دلیل نبودن بودجه در آموزش و پرورش حذف شد!**
**در برخی کشورها ر جوع به کتابخانه و مرجع را از دوره ابتدایی به کودک یاد می‌دهند**

بعد به ما گفتند کمیسیون فرهنگی مجلس یکی، دو تا بند بیشتر برای اضافه کردن به برنامه ششم سهمیه ندارد و من باید اعتراف کنم که هنوز متوجه نشدم که معنای این حرف چیست؟! کمیسیون فرهنگی اگر ۵۰ بند اضافه کند، چه اتفاقی می‌افتد؟ البته کمیسیون فرهنگی لطف کردند و گفتند ما یکی دو بند در باره کتابخوانی قید می‌کنیم، اما من نمی‌فهم اضافه کردن بند فرهنگی در برنامه ششم چارا برای چه چیزی تنگ می‌کند؟!

کار دیگری که ما انجام دادیم این بود که گفتیم اگر برای کتابخوانی کودک هزینه کنیم، دیگر نیازی نیست که در بزرگسالی او اینقدر هزینه کنیم. عادت کتابخوانی در کودک ایجاد شود تا تمام است. ما بر همین اساس بخش کتابخوانی کودک را گسترش دادیم. الان ۹۷ درصد کتابخانه‌های عمومی ما در سراسر کشور بخش کودک دارد. ۵۰ درصد خرید کتاب را به سمت کتاب‌های کودک و نوجوان بردیم. شاداب‌سازی محیط کتابخانه‌های کودک و نوجوان به طوری که برای این سنین جذاب باشد رویکرد دیگری است که به سمت آن رفتیم. اعلام کردیم کتابداران سراسر کشور به آموزش و پرورش‌های خود مراجعه کنند و به مدارس بروند. نزدیک‌ترین کتابخانه عمومی به مدارس را به دانش‌آموزان معرفی کنند منتها وقتی باشد، کتابخانه تا مدرسه‌س یا خانه کودک زیاد باشد، مشکلی است که فعلاً قابل حل نیست.

البته مدارس اعلام کرده‌اند که ما در حال تجهیز کتابخانه‌ها هستیم و شهرداری تهران هم اعلام کرده طرح یار مهربان را اجرا می‌کند و دراصفهان هم اعلام همکاری کرده‌اند. در واقع نهادهای دیگر برای تجهیز کتابخانه‌های مدارس در حال کمک هستند.

**سعه صدر کتابدارها و نوع سلوک آنها با بچه‌ها اینجا خیلی اهمیت پیدا می‌کند. آیا برای ارتقای سطح ارتباطی کتابداران در نهاد کتابخانه‌ها کاری انجام شده است؟**

و دانشجویان تازه‌ها را کپی می‌گیرند! ریشه اصلی معضل کتابخوانی در نظام آموزش کشور از دستان تا دانشگاه و پس از آن در خانواده و سپس در رسانه‌های مامت. در خانواده‌ای که کودک دست پدر و مادرش کاغذ، قلم و کتاب نمی‌بیند، تأثیر نمی‌گیرد. در کشور ما کودک زودتر از دستان با رسانه آشنا می‌شود. خوب در رسانه هم که خبری از کتاب نیست. در مدرسه هم همین وضع است و دانشگاه هم به این شکل. پس گفتمان کتابخوانی در ایران غالب نیست و به عبارت بهتر کتابخوانی در کشور ما موبایل در کشور محسوب نمی‌شود. تعداد گوشی‌های موبایل در کشور ما چندین برابر جمعیت است چرا؟! چون اگر مدل گوشی جوان ما پایین بیاید خجالت می‌کشد، اما جوان ما اگر کتاب‌خوان نباشد، شرمند نمی‌شود. مسئولان کشور هم اغلب کتاب نمی‌خوانند و ابرم از شمارشوری هم نمی‌کنند!

**نهاد کتابخانه‌های کشور به عنوان تنها نهاد متولی امر کتابخوانی چه تمهیداتی برای رفع این مشکل در کشور اندیشیده است؟**

سال گذشته قرار بود برنامه ششم توسعه کشور تدوین شود. ما تعدادی از اهالی فرهنگ را دعوت کردیم و به آنها گفتیم که برای ترویج کتابخوانی در کتابخانه‌ها اطلاع‌رسانی کنیم که در چه زمینه‌ها ما نیازسنجی هم داشته باشیم و بینیم مردم مطالبه چه کتاب‌هایی را دارند. البته باید حواسمان به کتاب‌سازی و ایجاد نیاز کاذب هم باشد. الان شاعران کودک به شدت معترض فضای کتاب‌های شعر هستند. با ناشران ارتباط داریم و به آنها میزان استقبال کتاب‌هایشان در کتابخانه‌ها را اطلاع می‌دهیم. اگر کتابی که از شما خریدیم دیده نشده دلیلش را بررسی کنید. با کتابدار صحبت کنید شاید اسم یا محتوای کتابت خوب نیست یا تبلیغات خوبی برایش نشده یا ضغف‌های دیگری دارد. تلاش می‌کنیم ناشر از این وضعی که کتاب را منتشر کند و کاری به بازتاب‌هایش نداشته باشد، خارج شود و فعال تر عمل کند. هدف اصلی ما این نیست که کتابخانه‌ها لبریز از کتاب شود، هدف ما این است که کتاب‌ها خوانده شوند. جامعه‌ای که در آن این مقدار کتاب منتشر می‌شود، ولی مردم در خیابان حقوق هم رارعبات نکنند، مطلوب نیست. رساندن کتاب به اقصاشر هدف، موضوع مهمی است. مشکل مهمی که ما درباره کتاب در کشور داریم مسئله توزیع است. برای مثال ما حدود ۱۰ کارخانه تولید تنقلات کودک داریم، اما بخش توزیع این تولیدات بالای ۲ میلیون توزیع کننده در کشور دارد. همه فروشگاه‌های عرضه محصولات خوراکی که تنوع زیادی هم دارند این محصولات را توزیع می‌کنند. حالا مقایسه کنید که تعداد ناشران ما در کشور ۱۲ هزار تاست، اما زیر ۳ هزار کتاب‌فروشی در کشور داریم. ما در بعضی شهرها حتی کیوسک مطبوعات نداریم. کتاب‌فروشی نداریم. اینقدر که فروشگاه‌های عرضه محصولات مصرفی هست یک‌دهم آن فروشگاه‌های عرضه فرهنگی وجود ندارد. اینکه شما نظام ارزش‌هایتان را چگونسه طرح‌ریزی کرده‌اید روی مسئله کتابخوانی تأثیر دارد. سبک زندگی در جامعه ما به

## روزنامه جوان | ۹۹۵۳

سمت مصرف‌زدگی سوق پیدا کرده است. اگر در جامعه‌ای اصالت طواهر غلبه پیدا کرد دیگر نباید انتظار داشت مردم به دانایی و علم بهای بیشتری بدهند و کتاب فضیلت محسوب شود.

**با اینکه رهبر معظم انقلاب اینقدر به مقوله کتابخوانی تأکید دارند، فکر می‌کنید گیر کار کجاست؟ دولت‌ها چقدر مقصر هستند؟**

سیستم آموزشی کشور بزرگ‌ترین نقش را دارد. خانواده هم از درون همین سیستم آموزشی بیرون آمده است یا تحت تأثیر رسانه‌های عمومی همین جامعه است. هدف‌گذاری جامعه باید به سمت اصالت فرهنگ باشد. سبک زندگی را باید در مدرسه به کودکان آموزش بدهند. شما سریال‌های مهم دهه اخیر را که از تلویزیون پخش شده است، در نظر بگیرید، ماجراها چقدر مبتنی بر خشونت و نیاز افراد طراحی شده است. بدی‌ها بر خوبی‌ها غلبه دارد. نقاط منفی بر مثبت می‌چربد. گویی که فیلمنامه‌نویس‌ها چشم بر نقاط مثبت می‌بندند و منفی‌ها برایشان جذاب‌تر است. طلاق، خیانت، توهین به پدر و مادر، خب ایسن روی مخاطب بی‌تأثیر نیست. مخاطب قرار نیست فقط سرگرم شود. او از آنچه مدام می‌بیند، تأثیر می‌گیرد.

**چقدر نهاد کتابخانه‌ها سعی کرده با رسانه‌ها از جمله صداوسیما هم‌اندیشی داشته باشد؟**

بارها جلسه گذاشتیم، نامه دادیم. منتظریم نتایج آن را ببینیم. البته این فرآیندها مختص ما نیست. رهبر معظم انقلاب به همه مسئولان نگفتند کتاب باید در سید خانوار قرار بگیرد؟ شما برنامه‌های تلویزیون را در ۲۴ ساعت مشاهده کنید، ببینید چقدر به موضوع کتاب اهمیت داده می‌شود؟ مهم این است که شخص هر برنامه‌ای که در تلویزیون می‌بیند، ارجاع به کتاب داشته باشد، نه فقط یک برنامه خاص مثلاً ۳۰ دقیقه‌ای. شخص اگر برنامه سیاسی می‌بیند یا آشپزی نگاه می‌کند، در آن ارجاع به چند کتاب مشاهده کند. از همه مهم‌تر شورای عالی انقلاب فرهنگی است که رهبری نام‌فرهنگ کشور را روی آن گذاشته‌اند. شورای عالی آموزش و پرورش داریم که سیاست‌گذاری می‌کند.

**در سمت و سسو دادن به محتوای کتاب نهاد کتابخانه‌ها می‌توانند نقش آفرین باشند؟**

بله حتماً، ما اولویت‌هایی چون کودک و نوجوان یا سبک زندگی داریم. اینها را به ناشران گفتیم و در خریدهایمان اینها را اعمال می‌کنیم و ناشران هم می‌دانند اولویت‌های خرید ما چیست. معتقدم ناشران باید پیش از چاپ کتاب جامعه هدف را درگیر کنند و برخی این کار را می‌کنند.

**توسعه فضای مجازی چقدر اقتضات نهاد کتابخوانی در کشور را با چالش و تغییر رویه رو کرده است؟**

درباره فضای مجازی دو مسئله وجود دارد؛ یکی اینکه آیا فضای مجازی رقیب کتاب محسوب می‌شود؟ پاسخ منفی است. مطالعه‌ها هر طریقی انجام شود دارای ارزش است، اما آنچه نگران کننده است این است که تکنولوژی‌های جدید سلیقه‌شما را تغییر بدهد. تمرکز، زمان و شرایط محیطی برای مطالعه مهم هستند. برخی از ابزار جدید شرایط دیگری را دارند. رادیو را می‌توان هنگام رانندگی هم گوش داد، اما درباره کتاب مسئله تفاوت پیدا می‌کند. اتفاقی که در کشور ما افتاده توجه خاص به فضای مجازی است که سلیقه‌ها را تغییر داده است. اولاً ما را تقلیل‌گرا کرده است. می‌گویند متن شما در فضای مجازی هر قدر کوتاه‌تر باشد امکان خوانده شدنش بیشتر است. عادت می‌کنید پیام‌های زیاد، اما کوتاه‌خوانید. خوانند کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای را ندارد. شبکه مجازی یک مسئله را ثابت کرده، اینکه مردم وقت کافی برای مطالعه دارند. بهانه گران بودن کتاب هم باطل شد! چون در فضای مجازی کتاب‌های فراوانی به شکل رایگان یا قیمت‌های ارزان ارائه می‌شود، ولی آیا این مردم را کتابخوان کرده است؟

**آیا ارتقای سطح کار آمدی کتابداران چه کارهایی انجام شده است؟**

دوره‌های مشاوره کتابدار بر گزار شد و تعداد قابل توجهی از اقراراد آموزش دیدند و راه‌های جذب مخاطب را فرآ را یافتند. سال گذشته یک مدرسه خواندن تأسیس کردیم که چهار دوره حضوری بر گزار کرد و یک مدرسه مجازی که بالای ۳ هزار نفر کتابدار عضو هستند و به طور دائم آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی را مرور و بررسی می‌کنند. برنامه کتاب‌خوان را داریم که از جمع‌های شش نفره تا ۲۰۰ نفره را شامل می‌شود و مردم و حتی مسئولان در این جمع‌ها کتاب معرفی می‌کنند. پویش کتابخوانی مجازی راه‌انداختیم که هر کس کتاب خوبی را خوانده است، معرفی می‌کند. از ابتدای امسال بیش از هزار و ۷۰۰ جلسه کتابخوانی در سراسر کشور بر گزار شده است.

**به عنوان مثال برای هری پاتر جایگزینی در حوزه کتاب کودک وجود دارد؟**

حتماً هست حالا اگر چه نه به این شهرت. رهبر معظم انقلاب جایی سؤال کردند که چرا طرح تولید عروسک‌های کانون پرورش فکری کودکان شکست خورد و مطرح کردند یک شخصیت داستانی در غرب در سینما هم ظهور پیدا می‌کند. صنعت عروسک‌سازی هم به موازات آن وارد تولید می‌شود و انواع کتاب‌ها، محصولات و تبلیغات هم به کمک ماچرامی آیند. این صنایع همدیگر را تکمیل می‌کنند، اما در ایران این اتفاق نمی‌افتد.